



و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید پس بجز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد [همه] به سجده درافتادند.
(سورة البقره ، آیه ۳۴)

قاچاق انسان و قاچاق مهاجران کمتر از قاچاق مواد مخدر نیست

گزارشگر: بشیر احمد عزیزی



مصادیق قباحت در حقوق افغانستان

قسمت پنجم
تبیح و نکارش: محبوب الرحمن «سیفی»

عدم ثبت هويت مسافرين در مهمان خانه يا هتل:
مهمان خانه يا هتل هاي که به منظور ميزباني از مهمانان خارجي و داخلي فعاليت مي نمايند، مکلف اند بخاطر تحکيم و ثبات امنيت در جامعه، شهرت اشخاص را که در هتل و يا مهمان خانه هاي شان مستقر مي شوند ثبت و درج نمايند. اين بخاطر است تا جلوگیری از وقوع حوادث ناگوار امنيتي شود، يا در حالتی که کدام واقعه زد امنيتي حادث شود، ارگان هاي مربوط و ذيصلاح در اسرع وقت بتوانند اشخاص داخلي و خارجي را چک و شخص متهم يا فاعل را دستگير نمايند.

ثبت هويت مسافرين یک امر قانون و وجيبه ای برای مسؤلان هتل ها و مهمان خانه ها ميباشد. هرگاه صاحبان هتل ها و مهمان خان ها مسووليت خویش را اداء نکنند و اهمال ورزند مسوول شناخته شده و محکوم به مجازات قانونی ميشوند.

کد جزای افغانستان در ماده ۹۰۶ خود چنین تصريح ميدارد: «شخصی که به ثبت هويت مسافر در هتل، مهمان خانه، مسافر خانه يا اتاق هاي که بمنظور رهايش اشخاص تهيه شده است، مکلف باشد، هويت مشتريان را ثبت نه نمايد در آن اهمال ورزد، به جزای نقدی از پنج هزار تا ده هزار افغانی، محکوم میگردد.» حکم این قانون عام بوده شامل تمامی هتل ها، مهمان خانه ها، بلاک های مسکونی و غيره ميشود. ممکن مسووليت ثبت را صاحب ملک يا شخص ديگر داشته باشد پس هر شخصی که وظيفه ثبت هويت اشخاص فوق را دارد مسووليت و پاسخ ده از عدم ايفای وظيفه خود نیز ميباشد.

اکثراً دیده شده واقعات که در جامعه افغانستان رخ داده توسط اشخاص و افراد بوده که در هتل ها يا مهمان خانه ها بگونه مؤقت سکونت داشته و بعد از انجام عمل خلاف قانونی خود فرار کرده و نهادهای مسوول قادر به پيدا کردن آن اشخاص نمی شدند. راه حل منطقی ثبت هويت شان در محل سکونت فعلی يا مؤقت شان بوده تا ارگان هاي مسوول از موجوديت اشخاص خارجي يا بيگانه اطلاعی حاصل کرده و در صورت ضرورت بتوانند آنها مورد بازپرس قرار دهند.

عدم تسليم دهی مال يافت شده:

کدجزا افغانستان در ماده ۹۰۷ مقرر ميدارد: «شخصی که اسناد يا مال گم شده را که قيمت آن بیش از یک هزار افغانی باشد، يافت نماید و در مدت یک هفته بدون عذر موجه موضوع را به صاحب مال يا به نزديک ترين اداره پوليس اطلاع ندهد، علاوه بر رد مال، به جزای نقدی پنج هزار افغانی، محکوم میگردد.» در متن ماده فوق آمده که قيمت شی بیش از هزار افغانی باشد پس اگر قيمت شی کمتر از هزار افغانی باشد شخص مسوول دانسته نمی شود، در مدت یک هفته بدون عذر به صاحب مال يا اداره پوليس اطلاع دهد. اين فرض قانونی است که شخص صاحب مال را بشناسد يا اداره پوليس را در جريان گذارد، هرگاه از یک هفته وقت بگذرد شخص مسوول است. اشخاص که چنین کار را نکنند بلکه اشیای يافت شده را پنهان و نگهداری نمايند از ذميره جرم قباچاتی خارج و شامل جرایم جنحه و جنایات ميشوند.

اشیای يافت شده را فقه اسلامی تحت عنوان {لقطه} بررسی میکند و خلاصه مفهوم آن چنین است.

لقطه؛ يافته غير از انسان:

هر مال پاک و معصومی که در معرض هلاک و تباهی باشد و مالک آن شناخته نشود، لقطه نامیده ميشود و بیشتر بر چیزی اطلاق ميشود که حيوان نباشد و اما چنین حیوانی را ضاله يعنی حیوان گمشده می نامند. حکم لقطه آنست که نگهداری آن مستحب است و برخی گفته اند واجب است برخی گفته اند اگر لقطه در محلی باشد که يابنده از آن اطمینان داشته باشد که تلف نمی شود، مستحب است که آنها بر دارد و نگهداری کند. ولی اگر در محلی باشد که چنین نباشد بر او واجب است که آن را نگهداری کند. و اگر در خود طمع در آن را سراغ داشته باشد، حتی اگر مسلمان هم نباشد، ولی غير آزاده و کودک و غير عاقل، مکلف نیست که لقطه را بردارد و نگهداری کند. اصل و دليل بر داشت و نگهداری لقطه روايتی است که از زید بن خالد آمده است که گفت: مردی بحضور پیامبر صلی الله عليه و سلم آمد و از ایشان در باره لقطه سوال نمود:

ادامه در صفحه ۲

يکشنبه مؤرخ ۲۵ عقرب ۱۳۹۹ قضاوتپوه فضل احمد معنوی، سرپرست وزارت عدلیه و رئیس کمیسیون عالی مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران امروز در یک نشست خبری کارکردها و برنامه های این کمیسیون را ارایه کرد.

او در این نشست گفت که موضوع مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران یکی از موضوعات مهم برای

حکومت افغانستان است که در این راستا تلاش های زیاد صورت گرفته است. آقای معنوی گفت که جنگ و فقر زمينه و بستر این پدیده را فراهم کرده و باندهای استفاده جو با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران تمویل می شوند و منفعت می برند.

سرپرست وزارت عدلیه گفت: «موضوع قاچاق انسان کمتر از قاچاق مواد مخدر در افغانستان بوده نمی تواند. به

ممكن است طرفین عقد ازدواج بعضی شرایط را بر علاوه شرایط عقد ازدواج بگمارند که به آن شرط، شرط ضمن عقد گفته میشود. شرط ضمن عقد گاهی صحیح و گاهی مبطل، باطل و فاسد می باشد. در این مقاله کوشیده میشود تا شرایط مبطل و باطل عقد ازدواج مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

الف. شروط مبطل ضمن عقد ازدواج:

شرط مبطل شرطی را گویند که خودش باطل است و باعث بطلان عقد نیز می شود. شرطی که مخالف مقتضای ذات عقد باشد هم باطل است وهم باعث بطلان عقد میگردد.

مقتضای ذات عقد، نتیجه و اثر مستقیم آن است؛ به بیان دیگر، نتیجه ای که طرفین عقد به قصد حصول آن، اقدام به بستن عقد می کنند، مقتضای ذات عقد نامیده میشود. برای مثال، مقتضای ذات عقد بیع این است که به محض وقوع عقد، مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن شود، یا به محض وقوع عقد نکاح، رابطه زوجین میان زن و مرد ایجاب میگردد. بنا براین، چنانچه ضمن عقد ازدواج، شرط شود که رابطه زوجین میان زن و مرد ایجاب نشود (بند ماده ۱۲۴ قانون احوال شخصیه)، یا شرط شود که زوجین وظایف زوجیت را انجام ندهند، یا شرط شود که زوجه، مهر نداشته باشد (ماده ۱۱۲ و بند ۲ ماده ۱۲۴ قانون احوال شخصیه). چنین شرطی، از آن جایی که مخالف مقتضای ذات عقد است، هم باطل و هم سبب بطلان عقد می شود. در واقع، با این شرط، معلوم میشود که قصد ازدواج نداشته است و بدن سبب، عقد ازدواج باطل است. قانون مدنی شرط مبطل ندارد.

شایسته یاد آوری است که دو امر وجود دارد: یکی

همان اندازه که قاچاق مواد مخدر جامعه را صدمه می رساند، قاچاق انسان و قاچاق مهاجران نیز به جامعه آسیب می رساند.» وی گفت که دولت افغانستان به همین دلیل این مسأله را جدی گرفته و از گذشته تلاش های جدی را در سطح ملی و بین المللی انجام داده است تا جلوی گسترش این پدیده را بگیرد.

ادامه در صفحه ۲

شروط مبطل و باطل ضمن عقد ازدواج

تبیح و نکارش: صفاء الرحمن «سیفی»

با کتابی را در علم فیزیک تألیف و به طرف دیگر اهدا نماید، در حالیکه مشروط علیه سواد جز خواندن و نوشتن نداشته باشد. چنین شرط باطل است؛ اما در صحت عقد خللی وارد نمی سازد (بند ۲ ماده ۱۳۴ قانون احوال شخصیه).

۲. شرط بی فایده:

شرطی بی فایده شرطی را گویند که فایده عقلایی ندارد؛ مانند اینکه ضمن عقد ازدواج شرط شود که مشروط علیه به مدت شیش ماه روز یک سطل آب از چاه بکشد و سپس آنها را به همان چاه خالی نماید. چنین شرطی باطل و عقد صحیح است. تشخیص اینکه شرط فایده عقلایی دارد یا نه؟ به عهده عرف است.

۳. شرط نامشروع:

شرط نامشروع شرط را گویند که مخالف قواعد آمره باشد، اعم از اینکه قواعد شرعی یا قانونی باشد؛ مانند اینکه شرط شود زوج به مدت شش ماه حق اقامه نماز نداشته باشد، یا شرط شود که در ماه رمضان روزه نگیرد، یا شرط شود زوج بدون تحصیل در دانشگاه، مدرک دکترا بگیرد، یا شرط شود که زوجه نفقه نداشته باشد. چنین شرط باطل است؛ اما مبطل عقد نیست؛ ماده ۶۸ قانون مدنی درین مورد بیان میدارد: «هرگاه در عقد ازدواج شرطی گذاشته شود که مخالف قانون و اهداف ازدواج باشد، عقد صحیح و شرط باطل پنداشته می شود.» شایسته یادآوری است که در ماده ۶۱۰ قانون مدنی شرط فاسد مطرح شده است. شرط فاسد غیر از شرط باطل و صحیح است.

ادامه در صفحه ۲

رابطه فقه با قانون و عرف

تبع ونگارش: محمد اسحاق کیهان

معلوم است که همه جنبه‌های زندگی مسلمانان ارتباط نزدیک و جدا ناپذیری با فقه دارد. علم فقه است، که تمام مصالح و خوبی‌ها را در دنیا و آخرت برای آن‌ها تأمین نموده و رابطه انسان را با یگانه معبود بر حق، هم‌چنان با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند به صورت درست و بهتر آن تنظیم می‌کند. از اینرو برای نیازمندی بیشتری احساس می‌شود تا به هر صورت ممکن در تحصیل آن سعی و تلاش به خرج بدهند تا راه‌های جلب منافع و دفع زیان و اضرار تباه کند را در پر تو ارشادات نجات بخش فقهی در یابند.

از آنجایی که شکل حیات افراد و جوامع انسانی به ایجابات زمان و مکان تغییر و از رنگی به رنگی تحول و تجدید، می‌نماید عقل کنجکاو و نکته سنج بشر آمادگی و ظرفیت آن را دارد تا با الهام از پدیده‌ها و شرایط، تازه احکام جزئی و فرعی جدید را از عرف و عادات و تعامل پسندیده‌ای عامه مردم استنباط و درک کند و این قواعد مستنبطه معیارهای کاملاً درست و جامع، مطابق روحیه عصر برای سنجیدن شرایط تازه، تغییرات و تحولات جدید زمان یا مکان مذکور باشد. علمای حقوق، عرف و عادات یا تعامل، قانون و رویه‌ای قضائی محاکم را از جمله مهم‌ترین منابع حقوق شمرده اند.

در مورد فقه: علم فقه یکی از علوم اساسی شرعی، مشهور ترین، گسترده ترین و شناخته شده ترین علوم شرعی است، که بیشترین ارتباط را به همه مردم داشته و در حیات انسانی نیز بیشتر کار برد را دارد.

تعریف لغوی و اصطلاحی فقه: فقه در لغت به معنای فهم، فهم عمیق، علم و آگاهی از چیزی، خلافت و فطانت است. از این رو می‌گویند به فلانی در فلان امر فقه داده اند مراد شان فهم داده اند. چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «لَيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» ترجمه: آن‌که در کار دین فهم عمیق حاصل کند. پیغمبر اکرم صلی الله و علیه وسلم نیز در حق ابن عباس دعا فرموده است: «اللهم علمه الكتاب» ترجمه: خداوند! او را در امور دین دانا بگردان هم‌چنین فقه به معنای کلام متکلم نیز آمده است.

معنای لفظی فقه دانش است و بر چیزی خود را فهماندن و یا بر چیزی ادراک حاصل کردن است. در احادیث نیز در هر جایی که این لفظ آمده است از معنی آن مفهوم ذیل استنباط شده است: در معامله دین خود را فهماندن و در آن مهارت حاصل کردن؛ در حدیث شریف آمده است: «من یرد الله به خیرا یفقهه فی الدین» ترجمه: کسی را که الله بخواهد خیر بدهد پس در دین برای شان دانش می دهد.

تعریف اصطلاحی فقه: تعریف فقه را امام ابوحنیفه چنین نموده است: «معرفة النفس ما لها و ما علیها» ترجمه: هر کس باید خود را آگاه سازد که برای او در دنیا و آخرت چه چیز باعث نفع و چه چیز باعث ضرر می باشد. از آن تعریف معلوم شد که دایره فقه محض به احکام عملی محدود نیست بلکه عقاید، اخلاق، احسان، تزکیه، و احکام در آن شامل می‌باشد. علامه ابن نجیم در کتاب خود (بحر الرائق) مانند فقهای عام چهار صنف عبادات، مناکحات، معاملات، و مسایل عقوبات را تحریر داشته اما آن عقاید و آداب را نیز حصه از فقه گردانیده است. در تمهید بحر الرائق تحریر شده که فقه اسلامی پنج صنف دارد که عبارت اند از: ۱- اعتقادات ۲- عبادات. ۳- معاملات. ۴- مزاجر. ۵- آداب. از تفصیل این بر می‌آید که دایره فقه اسلامی چقدر وسیع می‌باشد که همه ابعاد زندگی انسان از آن خالی نمی‌باشد.

ویژه گی‌های فقه: ویژه گی‌های احکام فقه اسلامی این است، که منبع آن آسمانی و اساس آن و حی الهی است. با حلال و حرام کردن امور متصف به صفت دینی می‌شود و در امثال و التزام و مسئولیت و حساب و کتاب در دنیا و آخرت، یا عقیده و ایمان ارتباط پیدا می‌کند و در اثنای اجر معاملات با اخلاق و ارزش‌ها امتزاج می‌یابد و در میان فرد و جامعه با فرد و دولت، توازنی عادلانه بر قرار می‌سازد و برای تحقق سعادت همه با آن‌چه که مصالح عمومی و اجتماعی و فردی را در دنیا و آخرت محقق می‌سازد تلاش می‌کند و به همین دلیل هم فقه اسلامی صلاحیت اجرای دائمی و بقای جاویدان در هر زمان و مکان را دارد.

سیر تاریخی فقه: فقه اسلامی در پیدایش و رشد خود مراحل را پشت سر گذاشته است تا به صورت علم کاملی در آمده است که می‌توان به طور مختصر به آن اشاره کرد.

۱- عصر پیامبر صلی الله و علیه وسلم: فقه شناخت احکام شرعی عملی به منظور اجرا و تطبیق و التزام به آن‌ها است. این امر، در همان عصر نبوت و نزول وحی آغاز شد و بدین منوال بود که قرآن کریم احکام شرعی را نازل و رسول خدا این احکام را برای مردم بیان می‌کرد و بشرح و تفصیلات و تعیین شرایط آن‌ها اقدام می‌نمود و راه درست اجرای آن‌ها را خواه با سنت قولی و خواه با اجرایی عملی و سنت فعلی و خواه با تأیید آن بخش از اقوال و اعمال صحابه که با دین و شرع خدا موافق بود، ترسیم می‌کرد و منبع احکام، تنها وحی بود که یا با لفظ یعنی قرآن کریم نازل می‌شد و یا به معنی یعنی سنت صحابه برای تعلم و استفتا و حل و فصل دعاوی و منازعات و داوری، به رسول خدا رجوع می‌کردند.

ادامه دارد

تشریح قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال...



همچنین روند تسوید و تهیه طرح ابتدایی اسناد تقنینی و معیارهای قابل رعایت برای جلوگیری از تعدیلات متعدد این اسناد در این برنامه به بحث گرفته شد. قرار است برگزاری این برنامه‌های آموزشی برای کارکنان بخش‌های حقوقی دیگر وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی ادامه یابد.

په شریعت کی د میراث ...

قسمت سوم:

د متروکی اړوند حقونه:

ترکه د میراث اساسی رکن ده که چیرې ترکه (د مورث مال) شتون و نه لري اصلا د میراث موضوع نه مطرح کیږي. په دغه بحث کېنې لومړي ترکه وروسته د ترکه اړوند حقونه د بحث لاندې راولو.

د ترکه تعريف:

په لغت کېنې ترکه د مړي څخه پاتې شوي مال ده او په اصطلاح کېنې ټول هغه مالونه او شتمني دي چه د مړي نه وارث ته پاتې کیږي. د متروکه اړوند حقونه:

مدني قانون د (۱۹۹۷) مادي په اساس د متروکه اړوند حقونه عبارت دي.

۱- دښخولو تر وخته پوري د کفن ورکولو او تجهيز مصرفونه.

۲- د هغي پورونو اداء کول چه د مړي په ذمي لازم دي.

۳- د پور د اداء کولو وروسته د پاتې متروکی د دريمي حصي څخه د مړي وصيت.

۴- د ميراث د حکمونو سره سم په وارثانوباندي د پاتې متروکی وپشل.

د مړي د تکفين او تجهيز مصرفونه:

دښخولو تر وخته د کفن ورکولو او تجهيز مصرفونه يو مهم حق ده چه د مړي د ترکه پوري اړه لري په اول قدم کېنې د مړي د متروکی څخه د مړي د تکفين او تجهيز مصرفونه وشي .

دا مصرفونه د مړي غسل ، تکفين او تجهيز ده د تکفين او تجهيز په برخه کېنې بايد اعتدال په نظر کېنې ونيول شي د بي ځايه مصرف (اسراف او سختي) څخه دي ډډه وشي.

کله چه د تکفين او تجهيز په مصرفونو کېنې اسراف وشي په حقيقت کېنې د ورثه په حق کېنې ظلم ده بايد د نورو په حق کېنې ظلم ونشي.

د پورونو ورکول:

د تکفين او تجهيز نه وروسته که مال پاتې شي د مړي پورنه ورکول کیږي له دی کبله د تکفين او تجهيز نه وروسته ورثه يا تصفيه کوونکي شخص دنده او مکلفيت لري چه د مړي پورونه ورکړي .

مدني قانون (۲۰۷۷) ماده پدي هکله داسي صراحت لري.

تصفیه کوونکی به د منازعي د مودي د تړيدو وروسته د محکمي په اجازه د هغي د پورونو ورکولو ته اقدام کوي چه د هغي د باره کېنې نزاع موجوده نه وي په کومو پورونو کېنې چه نزاع موجوده وي هغه به د ورستني حکم د صادریدلو وروسته ورکول کیږي . که متروکه د پورونو څخه زیات وي ټول پورونه د نوعیت په اساس ورکول کیږي که متروکه مال د پورونو څخه کم وي، پدي هکله مدني قانون صراحت لري د حنفي فقه په مطابق د الله دیون چه د مړي په ذمي پاتې وي لکه نذر، ذکات او داسي نو د الله پورونه ساقطیږي او د عباد بنده گانو پورونه ورکول کیږي.

د عباد پورونه به دوه ډوله وپشل کیږي.

۱ هغه پورونه چه د هغه عين باقي (پاتي) وي مثلا ، خرڅونکی (بايع) په اخیستونکی باندي يو شي خرڅ کړي او مشتري د شي د تسلیمیدو نه مخکېنې مړشي بايع کولاي شي خرڅ شوی شي واخلي.

۲- هغه پورنه چه عين اي پاتي نه وي او د مړي په ذمي پاتي وي شخصي پورونه د صحت او د مريضی (ناروغي) په حال باندي وپشل کیږي. د دغه تقسیم بندی سره لومړي عيني پورونه، شخصي پورونه چه په صحت په حال کېنې وي بيا د ناروغي په حال کېنې پورونه اداء او ورکول کیږي.

که چیري مړي په خپل ژوندانه کېنې د ښځي مهر نه وي ورکړې د ښځي مهره هم په پورونو کېنې حسابیږي او په وارث واجب ده چه د تکفين او تجهيز نه وروسته د ښځي مهر د مړي دمال څخه ورکړي وروسته مال د ورثه تر مینځ وویشي.

د مدني قانون د حکمونو له مخي دمړي ښځه دوه حقونه اخلي يو د مهریه حق او دویم د ميراث حق چه څلورمه برخه ده.

د متوفي د وصيت اجراکول:

په هغه صورت کېنې چه متوفي شخص په خپل ژوندانه کېنې چاته دغه مال وصيت کړي وي . د تکفين او تجهيز د پورونو د ورکولو وروسته د مړي وصيت اجرا کیږي.

تصفیه کوونکی به د متروکې د پورونو د ورکولو وروسته، د وصیت تنفيذول او نور تکلیفونه په

تبع ونگارش: محمدعارف صباح

غاره اخلي. د مدني قانون ۲۰۸۶ ماده د پورونو ورکول د وصیت د تنفيذ نه مخکېنې او مقدم ده پدي هکله د مدني قانون ۲۱۱۸ ماده داسي لیکي (دهغه چا وصیت باطل دي چه مال يي په پور مستغرق وي، مگر داچه پور ورکونکی ورته ډپور څخه ابراء وکی يا داچه د هغوي په اجازه وصیت وکی)

د مړي وصیت د متروکي په دريمه برخه کېنې د ورثه د اجازه پرته اجراء کیږي که چیري متوفي د دريمي برخي څخه زیات مال وصیت کړي وي د وصیت اجراء د ورثه د اجازه پوري موقوف او تړلي ده که ورثه اجازه وکړي وصیت نافذ ده پدي هکله د مدني قانون ۲۱۳۷ ماده داسي لیکي.

(وصیت دمتروکی د دريمي حصي په حدود کېنې دوارث اوغيروارث د پاره صحت لري اوپي د وارثانود اجازي څخه تنفيذیږي د متروکی د دريمي حصي څخه په زیاتي اندازي کېنې هم صحت لري مگر د وصیت کوونکی د مړيني وروسته د هغي نافذ بدل د وارثانود اجازي پوري موقوف دي خو پدي شرط چه اجازه ورکونکی د تبرع اهلیت ولري اود هغه څخه چه اجازه يي ورکوي په هغي علم ولري.)

د پورتنی ماده څخه دري مسلي پیژندل کیږي:

۱- د وارث او غیر وارث لپاره وصیت په دريمه حصي کېنې صحت لري.

۲- که چیري وصیت د متروکه تر دريمي حصي پوري وي دا وصیت د اجازه نه به غیر نافذیږي

۳- که وصیت د دريمي حصي څخه زیات وي د ورثه د اجازه څخه به غیر نه جاري کیږي.

د دغه مادي څخه داسي استنباطیږي چه که مړي ورثه ونلري د دريمي حصي څخه زاید وصیت صحیح او نافذ ده.

د ورثه حق:

د تکفين، تجهيز، دپورونو د اداء او د وصیت تنفيذ نه وروسته که د مړي نه مال پاتي شوي وي د شریعت او دقانون د حکمونو سره سم د مړي په ورثه وپشل کیږي.

پدي هکله د مدني قانون (۲۰۸۷) ماده داسي لیکي (د متروکی د التزاماتو د تنفيذ څخه وروسته د هغي پاتي مالونه د شرعي حصو سره د وارثانوپوري تعلق نیسي.

قاچاق انسان و قاچاق مهاجران کمتر از قاچاق مواد...



گفت که اگر کشورها دستاوردی در عرصه مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق باشند، در عرصه بین‌المللی بالای آن‌ها تعزیرات و محدودیت‌هایی وضع می‌شود و افغانستان نیز از این امر مستثنی نخواهد ماند.

او از مردم، جامعه مدنی و مطبوعات خواست تا در محو پدیده شوم قاچاق انسان و قاچاق مهاجران که آسیب‌های جبران ناپذیر دارد، با دولت همکار باشند.

سرپرست وزارت عدلیه گفت که پیامد بدتر قاچاق انسان و قاچاق مهاجران سوءاستفاده جنسی از اطفال است که متأسفانه صورت می‌گیرد و تا زمانی که نتوانیم به صورت جدی و پیگیر مبارزه کنیم، رسیدن به اهداف دشوار خواهد بود.

وی همچنین درباره حضور اطفال در صفوف جنگ صحبت کرد و گفت که اقدامات زیادی برای منع حضور اطفال در میان صفوف نیروهای امنیتی انجام شده‌است. او افزود که در عین حال تشویب وجود دارد که نشود اطفال در قالب نیروهای محلی داخل جنگ فرستاده شوند و استخدام

فضل احمد معنوی اضافه کرد که برای مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران قانونی وجود دارد و نیز کمیسیونی به رهبری وزارت عدلیه و عضویت ۱۶ اداره دولتی و غیر دولتی تشکیل شده‌است که امروز نشست فوق‌العاده آن برگزار شد.

در این نشست درباره پلان عمل ملی مبارزه با قاچاق انسان بحث شد و قرار است تا دو هفته دیگر این پلان تصویب و به اجرا گذاشته شود.

سرپرست وزارت عدلیه در این نشست تاکید کرد که اعضای کمیسیون باید نشست‌ها را جدی بگیرند و در سطح معینیت‌ها در آن اشتراک کنند. در نشست امروز همچنین تصمیم گرفته شد که یک هیأت شش نفری به منظور بررسی وضعیت مبارزه با قاچاق انسان و مهاجران به ولایت مرزی نمرزو اعزام شود.

سرپرست وزارت عدلیه در نشست خبری امروز گفت که پلان عمل مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران به منظور اطمینان از هماهنگی و همکاری مؤثر در سطح ملی و بین‌المللی تهیه شده است. او

شروط مبطل و باطل ضمن عقد ...

استحقاق آن را داشته باشد)، یا شخص ثالث باشد و ضمن عقود معاوضی آمده باشد. از آنجا که قانون‌گذار در بحث شرط از فقه حنفی پیروی نموده، مطالب یاد شده، به طور کامل در ماده ۶۱۰ قانون مدنی آمده که بیان‌میدارد: «شرط غیر مناسب با عقد یا شرط که عقد مقتضی آن نبوده یا حکم عقد را مؤکد نگرداند، همچنان شرط که موافق با تعامل جاریه نبوده و یا در آن فریب به کار رفته باشد، شرط فاسد پنداشته می‌شود.» شرط فاسد مفسد عقد که منفعت برای مبیع داشته باشد؛ مانند اینکه مبیع عبد باشد و در عقد شرط شود که عبد را به کسی دیگر هبه یا نفروشد. به عبارت دیگر، مبیع را از ملک خود خارج نکند، یا اینکه شرط کند که مبیع را از شهر معین خارج نکند، یا اینکه مبیع را مدیر، یا مکاتب نماید، یا شرط نماید که مبیع را آزاد کند.

شرط که منفعت برای مبیع داشته باشد؛ مانند اینکه در ضمن عقد شرط نماید که مبیع پس از فروش، برای مدت معین، در خدمت مبیع باشد؛ مانند اینکه خانه‌ای را بفروشد و شرط نماید که مدتی معین مبیع در آن ساکن باشد و مانند آن. شرطی که منفعت برای مشتری داشته باشد؛ مانند اینکه پارچه‌ای را خریداری نموده و مبیع در ضمن عقد بیع شرط نماید که مبیع، پارچه‌ای را برای مشتری، لباس درست نماید، یا چیزی دیگری خریداری نماید و شرط کند که مبیع، مبیع را تا منزل مشتری حمل نماید و مانند آن. شرط که منفعت برای شخص یا اشخاص ثالث داشته باشند؛ مانند این که قطعه زمینی را بفروشد و ضمن عقد شرط کرده باشد که در آن، مسجد بناء کند، یا مثلاً آسایشگاه معلولین یا منزل برای ایتام درست نماید و مانند آن. شایسته‌ای یادآوری است که شرط فاسد در صورت مفسد عقد است که ضمن عقد معاوضی باشد.

ادامه دارد

مصادیق قباحت در...

که فرمود: «اعرف عفاصها، ووکاءها، ثم عرفها سنة، فإن جاء صاحبها، وإلا شأنک بها قال: فضالة الغنم؟ قال: هی لک او لاخیک أو للذئب قال: فضاله الابل؟ قال: مالک ولها معها سقاؤها وحذاؤها و ترد الماء و تأکل الشجر حتی یلقاها ربها» ترجمه: فرمود: کیسه و ظرفی که مال گمشده و یافته شده در آن قرار دارد و طناب و بندی که دهنه آن بدان بسته شده است، معرفی کن یعنی از مردم بخواه که نشان آنها را بگویند و بگو فلان چیزی را پیدا کرده ام، مال کیست و نشانه کیسه و ظرف و دهان بند آن چیست؟ سپس تا یک سال انتظار پیدا شدن صاحبش پیدا شد چه بهتر مال او را به وی برگردان، در غیر این صورت خودت در آن تصرف کن بهر طریق که می خواهی. گفت: گوسفند یافته شده و گمشده چه طور؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: اگر تو آن را نگهداری نکنی، شخص دیگری آن را نگهداری می کند یا حیوان درنده و گرگ آن را می خورد گفت: شتر گمشده و یافته شده چه طور؟

شوند که کمیسیون به خصوص وزارت عدلیه که مسوولیت هماهنگی را نیز دارد، روی آن به صورت متمرکز کار می‌کند و متعهد است که همه نهادها را متوجه مسوولیت‌های شان بسازد تا هر نهاد در بخش خود کار موثر انجام دهد.

سرپرست وزارت عدلیه گفت که در عرصه رسیدگی به قربانیان قاچاق انسان و قاچاق مهاجران با وجودی که وزارت امور مهاجرین و کار و امور اجتماعی تلاش می‌کنند، به دلیل کمبود امکانات کار کمتری صورت گرفته است. به گفته او کمیسیون به منظور افزایش فعالیت‌های عملی در راستای مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران و حمایت از قربانیان این پدیده ایجاد شده است.

در این نشست برخی اعضای دیگر کمیسیون از جمله معین امور اجتماعی وزارت کار و امور اجتماعی، معاون لوی سارنوالی و نماینده کمیسیون مستقل حقوق بشر نیز پیرامون فعالیت‌های شان در راستای مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران صحبت کردند.

کسی که لقطه را می یابد و بر میدارد بر او واجب است که علامات و نشانه های ممیزه و خاص آن را از قبیل ظرف و بند آن و نوع جنس و مقدار آن را بخواهد که نام ببرند و بدینگونه سراغ صاحبش را بگیرد، که هر کس این مشخصات را درست گفت او صاحب آنست. باید همانند مال خویش از آن نگهداری کند، خواه بزرگ یا کوچک با اهمیت یا کم اهمیت باشد و بعنوان ودیعه پیش او میانند، که ضمانت آن را بعهده ندارد، مگر اینکه در آن تعدی و تصرف نابجا کند. سپس باید خبر گمشده را بوسایل مکن در بازارها و جایی که گمان وجود صاحبش می رود در مجمع مردم پخش کند و از آن اعلام نماید، سپس اگر صاحبش پیدا شد و علامات و نشانه خاص و ممیزه آن را گفت یابنده و بردارنده آن میتواند لقطه را بوی تسلیم کند، حتی اگر اقامه بینه هم نکند. و اگر کسی پیدا نشد، یک سال آن را نگهدار و از آن اعلام وجود میکنند، چنانچه پس از یک سال کسی پیدا نشد، برای او حلال است که آن را صدقه بدهد یا خود از آن استفاده و بهره برداری کند. خواه فقیر یا ثروتمند باشد و ضمانت آن را بعهده ندارد. چون بخاری و ترمذی از سعید بن غفله روایت کرده اند که گفت: با اوس بن کعب ملاقات کردم که گفت: کیسه ای یافتم که یکصد دینار در آن بود، و برای تعیین تکلیف آن، بحضور پیامبر صلی الله علیه و سلم رفتم و او گفت: یک سال آن را معرفی کن و انتظار پیدا شدن صاحبش را بکش و از آن اعلام وجود کردم و یک سال صاحبش را نیافتم سپس سه بار بحضور پیامبر صلی الله علیه و سلم رفتم، پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: ظرف و بند آن را نگهدار اگر صاحبش پیدا شد، چه بهتر والا خود از آن استفاده کن.

در باره چیزی که در شاهراه و راه پر راه رو، یافته میشود از پیامبر صلی الله علیه و سلم پرسش بعمل آمد که گفت: یک سال آن را معرفی کن، اگر خواهانی برایش پیدا شد، آن را به وی تسلیم کن و الا مال خودت است گفتند: چیزی که در ویرانه پیدا شود؟ گفت: از آن و از گنج و دقینه، خمس پرداخت میشود و بقیه آن مال یابنده است. ابن القیم گفت: فتوی دادن بدان معین و مشخص است، هر کس می خواهد مخالفت کند اهمیت ندارد، چون این حدیث معارضی ندارد که موجب ترک آن باشد.

خوردنیها و چیزهای بی اهمیت از این قاعده مستثنی هستند. در باره چیزهای

بود که خوردنی و بی اهمیت نباشند. چون اعلام وجود از چیزهای خوردنی یافته شده واجب نیست و خوردن آن جایز است، از انس آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم میوه ای را در راه یافت و از کنار آن گذشت و گفت: «لولا أنى أخاف أن تكون من الصدقة لاکلتها» اگر از آن نمی ترسیدم که ممکن است مال صدقه و زکات باشد آن را می خوردم. برایت بخاری و مسلم.

و چیزهای بی اهمیت و حقیر لازم نیست که یک سال معرفی شود، بلکه تا زمانی باید آنرا معرفی کرد که گمان می‌رود دیگر صاحبش بدنبال آن نمی گردد و یابنده می تواند بعد از آن، بهره مند شود. از جابر آمده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و سلم در باره عصا و شلاق و طناب و امثال آن هما رخصت و اجازه داد، که هرگاه آنها را یافتم زا آنها استفاده کنیم = هر کس آن را یافت از آنها استفاده کند. احمد و ابوداود آن بیرون آورده اند.

از علی بن ابی طالب آمده است که او دیناری را در بازار یافته بود و آن را پیش پیامبر صلی الله علیه و سلم آورد. پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت آن را سه روز معرفی کند و اعلام نما تا صاحبش پیدا شود و نشانه آن را بدهد و او کسی را نیافت که سراغ آن را بگیرد. پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: « آن را خودت بخور» عبدالرزاق انرا از ابوسعید نقل کرده است.

ایجاد ازدحام در راه عام: ماده ۹۰۸ کد جزا در باره ایجاد ازدحام در راه عام توسط اشیای غیر از وسایل نقلیه و حیوانیه مقرر میدارد: «شخصی که بدون ضرورت یا بدون اجازه مراجع با صلاحیت، با حفر نمون گودال در راه یا گذاشتن مواد یا اشیایی که رفت و آمد را در آن غیر مطمئن گرداند یا به هر وسیله دیگری سبب ممانعت در رفت و آمد مردم گردیده و بدین وسیله باعث ازدحام در راه گردد، به جزای نقدی از پنج هزار تا ده هزار افغانی، محکوم میگردد.» موارد را که ماده فوق جرم شمرده و انرا بیان کرد در جامعه ما به کثرت پیدا میشود. اکثریت حویلی یا تعمیرهای مسکونی چاهای سبتیک شان را در راه روهای عمومی گذاشته اند بدون اجازه ادارات دولتی، بزرگترین عامل اذیت و آزار مردم بوده و باعث ازدحام نیز میشود. همچنین دست فروشان و دکانهای کنار جاده ها که اشیای خود را به منظور جلب توجه مشتریان در پیاد روها میگذارند و باعث ازدحام و راه بندان میشوند. کد جزا چنین عمل را جرم محسوب کرده و برای شان مجازات نقدی از پنج هزار تا ده هزار افغانی را مقرر داشته است.

موضوع قابل بحث این است که نهادهای امنیتی و شاروالی در سطح شهرها و ولایات نمونه های بارز این نوع جرایم را مشاهده میکنند. اما در جهت زدودن یا جلوگیری آن هیچ نوع اقدام را انجام نمی دهند؛ بلکه نظر به تقلیبات و شواهد عینی ادارات فوق با گرفت رشوت و اخازی کردن زمینه پخش چنین کار را مساعد میگردانند.

این حالات و واقعات باعث شده است تا حکم قانون صرفاً در روی ورقها باقی بماند و جنبه اجرایی آن هرگز تحقق نیابد. در صورت که این رفتارهای خلاف اخلاق اجتماعی و شهر نشینی ادامه پیدا کند باعث خواهند شده تا مردم نسبت به حکم قانون و ارگان های دولتی بیشتر شده و قانون شکنی های دیگری را شاهد باشیم.

رعایت حکم قانون، تامین شرایط بهتر حق اجتماعی افراد، استحکام رابطه دولت - ملت، ساختار فرهنگ سالم اجتماعی و خاصاً شهر نشینی زمانی میسر خواهند بوده که احکام قانون را با رعایت اخلاق و موارد اندک و جزئی آن پیدا نمایم. به مردم بفهمانیم که قانون جنبه الزامی و اجبار و همگانی دارد، هیچ کسی از ساحه آن خارج و یا استثنا شده نمی تواند.

ادامه دارد



په شریعت کی د میراث حکمونه

قسمت دوم

تبع ونکارش: محمد عارف «صبح»

به قصدي توكه قتل تر سره شوي وي:

د پورتنی حکم په اساس یوازې عمدې یا قصدي قتل چه د کفار او یا د قصاص موجب گرځي د وراث لپاره د میراث محرومیت کیږي غیرعمدي یا د سبب قتل د میراث مانع نه کیږي.

وراث که داصلي فعل مجرم او یا شریک د جرم اصلي فاعل یا ناحب شاهد وي او د ناحب شهادت په سبب مورث اعدام (په داروزرول) شي.

کله چي وراث د جرم اصلي فاعل یا شریک او د مورث قاتل وي د میراث څخه محروميږي همدا ډول که وراث په محکمي کبسي ناحبه شهادت ورکړي او د دغه شهادت په ترڅ کبسي مورث اعدام شي بیا وراث د مورث د میراث څخه محروميږي.

قتل باید په ناحقه او بي د عذر څخه ترسره شوي وي:

کله چي وراث خپل مورث په ناحقه توكه په قتل ورسوي د بيلگی په توكه : وراث د مورث د مال د لاسته راوړلو له پاره د مورث د مړیني نه مخکبسي په قتل کولو لاس پوري کړي که وراث په قانوني عذر سره خپل مورث ووژني دا ډول قتل د میراث مانع نه کیږي لکه ، روا او مشروع دفاع یا د علاج او تدوي په وخت کبسي مورث مړ شوي وي. قاتل اهلیت لرونکي وي اود قتل په وخت کبسي قاتل عاقل او د ۱۸ کلني عمرې پوره کړي وي.

د دين اختلاف:

د افغانستان مدني قانون کبسي د میراث د استحقاق څخه دویم مانع د دين اختلاف یاد شوي.

د مسلمان او نامسلمان تر مینځ د میراث استحقاق نشته خو د نا مسلمانو تر مینځ د میراث استحقاق شته د مسلمانانو او نامسلمانانو تر مینځ د هیوانو اختلاف د میراث مانع نه گرځي مگر داچه د پردي هیواد قانون د پردو میراث وړل منع کړي وي. (مدنی قانون ۲۰۰۰ ماده)

د پورتنی ماده په اساس ۱- د مسلمان او غیر مسلمان تر مینځ ارث نه جاري کیږي.

۲- غیر مسلمان په خپلو کبسي د میراث مستحق کیږي.

په هغه صورت کبسي چي وراث او مورث غیر مسلمان وي او د دوي څخه یو مړشي دویم د دي څخه د میراث مستحق کیږي.

مدني قانون کبسي یوه ماده د بهرني اتباعو په هکله وضع شوي چه د هغي په اساس پردي يعني خارجي کسان نشي کولای د ارث په لحاظ عقاري مالونه تر لاسه کړي.

د مدني قانون ۲۰۰۰ ماده ۲ فقره په دي هکله داسي صراحت لري.

پردي نه شي کولي د پورتنی فقره د درج شوي میراث د استحقاق په اساس په عقاري مالونو کبسي د ملکیت حق کسب کي.

کله دوه کسان د سببي یا نسبي قرابت په اساس لکه زوجیت چه په خپلو کبسي د میراث استحقاق وړي او په یوه پېښه کبسي مړه شي د مړیني وخت اي معلوم شوې نه وي خپلو کبسي د میراث مستحق نه کیږي دمدني قانون ۱۹۹۶ ماده په دي هکله داسي صراحت لري.

(که دوه نفره مړه شي او معلومه نه کړي شي چه کوم یو لومړي مړشوي نو یو د بل په متروکی کبسي نه شي مستحق کیدلې عام له دي چه د هغوي مرگ په یوي حادثي کبسي وي یا په مختلفو حادثو کبسي.) مخکبسي یاده شوه چه د میراث د استحقاق یو شرط د وراث حیات ده چه په دغه قضیي کبسي دا شرط تر سره شوي نده.

معلوم نده بیا په خپلو کبسي د میراث مستحق نه کیږي زکه د میراث د استحقاق لپاره د وراث حیات (ژوند) شرط ده.

ادامه درصفحه ۳

دفتر همکاری های آلمان به ادامه تقویت همکاری های این دفتر با وزارت عدلیه تعهد سپرد

گزارشگر: بشیراحمد عزیز



وزارت عدلیه با دفتر GIZ شد تا در پلان سال آینده پروژه حمایت از حاکمیت قانون این دفتر گنجانده شود. دفتر همکاری های آلمان در بخش دسترسی شهروندان به عدالت، آگاهی عامه حقوقی و ارتقای ظرفیت کارمندان با وزارت عدلیه همکاری است.

پروژه حمایت از حاکمیت قانون با بخش های وزارت عدلیه صحبت کرد. او افزود که این دفتر آماده است تا همکاری های این وزارت عدلیه را بر مبنای نیازهای این وزارت، تقویت کند. او خواستار شریک سازی فهرستی از نیازمندی ها، اولویت ها و برنامه های

گفت که دفتر GIZ مشکلات و وزارت عدلیه در بخش حاکمیت قانون را درک کرده و این وزارت نیز به همکاری دفتر همکاری های آلمان در قسمت حل این مشکلات نیاز مبرم دارد. آقای بیند میسر اشمیت، رییس پروژه حمایت از حاکمیت قانون دفتر GIZ درباره همکاری های

سه شنبه مؤرخ ۱۳ عقرب ۱۳۹۹ قضاوتیوه فضل احمد معنوی سرپرست و نامزد وزیر وزارت عدلیه با مسوول بخش حمایت از حاکمیت قانون دفتر همکاری های آلمان (GIZ) دیدار و درباره همکاری های این دفتر با وزارت عدلیه گفتگو کرد. سرپرست وزارت عدلیه در این دیدار

تشریح قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال برای کارکنان ۶ اداره دولتی

گزارشگر: بشیراحمد عزیز



قانون طی مراحل اسناد تقنینی و قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال از اسناد تقنینی بودند که در این برنامه از سوی کارشناسان انستیتوت قانون گذاری وزارت عدلیه تشریح شد.

امور زنان، وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان، اداره ملی احصاییه و معلومات، جمعیت هلال احمر افغانی، ریاست عمومی تربیت بدنی و ورزش و ریاست عمومی انسجام امور کوچی ها اشتراک کردند.

تحقیقات علمی - حقوقی وزارت عدلیه و به همکاری مالی پروژه حمایت از حاکمیت قانون اداره همکاری های انکشافی آلمان (GIZ) برگزار شد. در این برنامه آموزشی ۳۲ تن از کارکنان بخش های حقوقی وزارت

وزارت عدلیه سومین دور برنامه آموزشی تشریح اسناد تقنینی را برای کارکنان بخش های حقوقی شش وزارتخانه و اداره دولتی برگزار کرد. این برنامه روز شنبه، ۱۰ عقرب از سوی انستیتوت امور قانون گذاری و

ادامه درصفحه ۳